

جنگ و هابیسیم، شیعیسم و داعش

دو روز پیش رژیم وهابی عربستان سعودی، شیخ نمر باقر النمر، روحانی شیعه ی زندانی را، همراه با 46 زندانی دیگر، اعدام کرد. شیخ نمر، حدود چهار سال پیش و در اوج اعتراضات "بهار عربی" بازداشت و زندانی شده بود.

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، در شماره ی 2 ژانویه ی 2016 چنین نوشت: "شیخ نمر النمر متولد سال 1379 هجری قمری، در عوامیه (در شرق عربستان سعودی) یک مجتهد شیعه و فعال حقوق بشر عربستانی و رهبر شیعیان این کشور بود.

او در پی اعتراضات شیعیان عربستان در سال 2012 بازداشت شد و در 23 مهر ماه 1393 دادگاه جنایی عربستان شیخ نمر را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و محاربه، به «اعدام با شمشیر و به صلیب کشیده شدن در انظار عمومی» محکوم کرد.

حکم اعدام شیخ نمر بارها از سوی سازمانهای حقوق بشر محکوم شده و از عربستان خواسته شده بود که این حکم را اجرا نکند اما رژیم آل سعود، دیروز این فعال حقوق بشر را اعدام کرد.

در ایران نیز آیات عظام، مراجع تقمید، فعالان سیاسی و فرهنگی، حوزه ی علمیه قم و وزارت خارجه این اقدام آل سعود را محکوم کردند.

آیت الله نوری همدانی: اجرای این حکم ظالمانه با وجود اعتراضات فراوان مسلمانان جهان، دهن کجی به جهان اسلام است.

آیت الله خاتمی: شیعیان عربستان، با اعدام شیخ نمر، روز آل سعود را به شام سیاه تبدیل میکنند.

سخنگوی وزارت خارجه: اعدام شیخ نمر تنها عمق بی تدبیری و بی مسئولیتی را نشان میدهد و دولت ریاض تاوان سختی خواهد پرداخت.

بروجردی: پیامد های قتل شیخ نمر برای مقامات سعودی بسیار سنگین خواهد بود.

آیت الله کعبی: اعدام شیخ نمر، نشانه ی استیصال آل سعود است...

مولوی نذیر احمد نماینده ی مردم سیستان و بلوچستان در مجلس خبرگان: اجرای حکم شیخ نمر مبارز شیعه عربستانی منافی با موازین بین المللی و اسلامی و آداب و رسوم دموکراسی بود.

مراجع عظام تقلید با صدور پیامهای جداگانه ای ضمن محکوم کردن این جنایت فجیع، با اعلام تعطیلی دروس خود همه علمای جهان اسلام را به چاره اندیشی برای ریشه کن کردن تکفیر که پایگاه اصلی آن آل سعود است، فرا خواندند.

آیت الله گلپایگانی: آل سعود با اعدام شیخ نمر راه سقوط خود را هموار کرد.

آیت الله مکارم شیرازی: جهان اسلام انتقام شیخ نمر را میگیرد.

امام جمعه اهل سنت پیرانشهر: اعدام شیخ نمر موجب نفرت جهان اسلام از آل سعود میشود.

اختلاف بین دولت شیعیست ایران و دولت وهابیت عربستان، مربوط به امروز و دیروز و پریروز و اعدام شیخ نمر نمیشود. این تناقضات ریشه های بس عمیق و دیرینه ای دارند. موضوع اصلی مناقشات اخیر، رقابت بر سر یکه تازی و ژاندارمی منطقه و تصاحب پترودلر های هر چه بیشتر میباشد. اعدام شیخ شاید پیش در آمد یک رویارویی قریب الوقوع باشد. شاید هم از آنجا که این رویایی به نفع هیچیک از طرفین دعوا نیست؛ زیرا که در آنصورت نه تنها بردی نخواهند داشت، بلکه با توجه به نا رضایتی عمومی در هر دو جامعه، هر دو خواهند باخت، در حد تهدید و تشر و

بگو-مگو و قدرت خود را به رخ هم کشیدن و خریدن باقی بماند و بتدریج فروکش کند و فراموش گردد، آنچنان که در مورد تجاوز به نوجوان ایرانی در حین کنترل گذرنامه و قربانی شدن چندین هزار حاجی در روز عرفه، بوقوع پیوست و شاید هم موضوع، بعد از مدتی طبل و سنج کوبیدن و عربده کشیدن، با میانجیگری پشت پرده ی اسرائیل و آمریکا و مرکز و پوتین و شاید هم اردوغان، برای مدتی مسکوت بماند، چونکه هر دو طرف خود را بد جوری گرفتار مسائل سوریه و بمباران و کشت و کشتار و آواره و بی خانمان کردن مردم آنجا نموده اند. به نفع هر دو خواهد بود که جبهه ی سوم یا چهارمی باز نکنند. در جبهه ی دوم یعنی یمن، پای طرفین تا زانو به گل فرو رفته است. اگر عراق را هم که در حال حاضر زیر عبای آخوندهای ایران رفته است، بتوانیم جبهه ی سوم بحساب آوریم.

اما آنچه که باعث تعجب و خنده می‌گردد این است که آخوندهای ایرانی بعد از اعدام شیخ نمر شروع کردند به داد سخن دادن از دمکراسی و حقوق بشر و جامعه ی بین المللی و اینکه شیخ نمر، با توجه به این موازین اعدام نشده است. این آخوندها خوب میدانند که جامعه ی انسانی، اعدامهای دسته جمعی، اعدام دگراندیشان، اعدام نوجوانان، اعدام روحانیان سنی و بهایی و سرکوب خونین اعتراضات مسالمت آمیز مردمی را فراموش نکرده شست.

هنگامیکه جوانان مردم چون ندها، سهرابها و ستارها بدست آدمکشان حرفه ای رژیم کشته میشوند و اعتراضات حق طلبانه و مسالمت آمیز مردم در تبریز و احواز و سایر نقاط کشور به خاک و خون کشیده میشود، اینها حرف از حقوق بشر را خیانت و حربه ی دشمن میدانند، ولی وقتی یکی از عواملشان در کشور دیگری - که همچون خود اینها می اندیشد و عمل میکند - به قتل میرسد، بیاد حقوق بشر و دمکراسی می افتند. در اینجا بس بجا می بینم که اطلاعیه ی آقای یوسف بنی طرف فعال سیاسی و اجتماعی و یکی از رهبران خارج از کشور جامعه ی اعراب الاحواز را درج نمایم:

" برخی از دوستان نظرم را در باره ی اعدام 47 شهروند سعودی پرسیده اند. من با هر نوع اعدام مخالفم چه در سعودی باشد، چه در ایران باشد چه در کشورهایی که همچنان مجازات اعدام برقرار است و در آرزوی روزی هستم که این مجازات از ایران و کشورهای خاورمیانه نیز برچیده شود. اما به نظر من رژیم استبدادی شوینیستی ایران صلاحیت ندارد در این زمینه اظهار نظر کند. رژیمی که بر جمجمه های فرزندان خلق های ایران استقرار یافته، چگونه میتواند در این زمینه سخن بگوید و دیگران را محکوم کند. رطب خورده، منع رطب چون کند. خوشبختانه اغلب کاربران ایرانی، موضع درست و مناسبی در باره اعدام های فوق و بر " ننه من غریبم" دینکاران حاکم، و بویژه در برابر هجوم و تخریب کنسولگری و سفارت سعودی در مشهد و تهران اتخاذ کرده اند که شایسته ستایش است".

هنوز نوشته ی حاضر به نیمه نرسیده بود که مطلع شدیم؛ سفارت عربستان در تهران و کنسولگری آن کشور در مشهد محاصره، اشغال و به آتش کشیده شده و عربستان و چند کشور دیگر روابط خود را با ایران قطع نموده اند. به این ترتیب سردمداران رژیم خاکم بر ایران، بی تاخیر "صداقت" خود را در رابطه با حقوق بشر و دمکراسی به نمایش گذاشتند و همچنین رکورد تازه ای را در اشغال و تخریب سفارتخانه ها و به قول خودشان؛ "لانه های جاسوسی" کشورهای دیگر رقم زدند. هیئات که این رشته هزاران تار و مو دارد و از کجایش بگیری، به نا کجا آباد خواهی رسید.

و اما این کشورهای غربی که اخیراً آب در دهانشان افتاده و کاروان، پشت کاروان به راه افتاده اند که طرفی هم از کشور آخوند های ایران به بندند، آیا نمی دانستند که ایران بعلاوه ی عربستان سعودی اصلی ترین تولیدکنندگان تروریسم و آدم ربایی و جنگ در خاورمیانه و سایر نقاط این کره ی خاکی هستند؟ آیا اینها نمی دانند که القاعده و طالبان و اسد و داعش و حزب الشیطان و ده ها امثالشان، میوه های تفکر صدور انقلابی، تروریستی، ضد انسانی، وهابیتی، شیعیستی و پول و سرمایه ی عربستان و ایران میباشد؟ البته که بسی بهتر از من و تو میدانستند و میدانند، اما دوست دارند خاموش باشند؛ زیرا که خود سناریستها و گردانندگان اصلی میدان جرمنند.

